



The Oldest Persian Enigmatic Treatise

Yahya Talebhan¹

Mozhdeh KamaliFard²

Submitted: 26 -6- 2022 Revised: 26 -6- 2022 Accepted: 22 -7- 2022 Published: 23 -9- 2022 pp.43-58

Abstract

Riddle as a figure of speech, which has been popular in Persian poetry for a long time, is divided into two types: nominal and historical riddles (Chronograph). In the 11th-9th lunar centuries, which was the peak period of the riddle writing, several treatises were written to explain the rules of riddles, as well as to record the best riddles. The lack of comprehensive research on enigmatic treatises has led to problems in identifying them, which has caused mistakes and errors in some reference sources. Such mistakes have found their way into other works and have eventually become so prevalent that they are considered scientific truth. This fundamental research, which was carried out using library sources and dealing with numerous manuscripts, revealed that Zabihullah Safa's view that (الاحياء في حل المعما) "al-Ehyāe Fī Hal al-Moamā" is the oldest Persian enigmatic treatise is not exact and there is no such treatise. The oldest treatise (مطلوب الاحباب) "Matlōb al-Ahbāb" is the work of Rafī Manouchehr, a merchant known as Badie Tabrizi. The author of the treatise "24 Asl" was also identified.

Keywords: riddle, Al-Ehyāe Fī Hal al-Moamā, Matlōb al-Ahbāb, (حل مطرز در فنّ معما و (Holale Motarraz dar Fann-e Moamā va Loghaz, Manouchehr Badie Tabrizi.

CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

© Authors, Published by Journal of Codicology and manuscript research. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by//4/0>)



- 1 . Professor of Persian Language and Literature, Department of Persian Literary and Language. Persian Literary and foreign Language Faculty. Allameh Tabatabaei University. Tehran. Iran.
- 2 . Ph.D. student Department of Persian Literary and Language. Persian Literary and foreign Language Faculty. Allameh Tabatabaei University. Tehran. Iran.



References

- Anwari-Alhosseyni, Shams (1986). *Logaz und Mo`mmâ: Eine Quellenstudie zur Kunstform des persischen Rätsels*. Berlin: K. Schwarz.
- Abdulghani ibn Dāwood. *Explanation of the Treatise of Muhammad al-Karr, or, Explanation of the Riddle Grammar* [manuscript]. Tehran, Central Library of the University of Tehran, No. 1/830, dated 10 AH. [In Persian]
- Āghābozorg Tehrānī, Mohammad Hassan. *Al Zarri`eh Ela Tasanif al-Shi`eh*. By Ahmad Monzavī and Alīnaghī Monzavī. Tehran, Islamia, 1978. [In Persian]
- Bāwaqār Zaeīmī, Elhām. *Correction of the Manuscript of Solving the Riddle by Ziāye Ordoubādi*. Under supervision of Hamīd Rezā Qānoonī. Master Thesis in Persian Language and Literature. Najafabad Branch, Islamic Azad University, 2010. [In Persian]
- Badī' Tabrīzī, Manouchehr. *Matlub ol-Ahbāb* [manuscript]. Written by Muhammad Ibn Husayn Ibn Salam Allah Abraqui. Tehran: Malek National Library, No. 3/490, dated 851 AH. [In Persian]
- Badie Tabrīzī, Manouchehr. *Matlub ol-Mahboub* [manuscript]. Tehran: Library of the Islamic Consultative Assembly, No. 1/9816, (nd). [In Persian]
- Derāyatī, Mustafā. *Indexes of Iranian Manuscripts (Fankhā)*. Editor: Mojtabā Derāyatī, Tehran, National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran, 2011. [In Persian]
- Derāyatī, Mustafā. *Catalog of Iranian Manuscripts (Denā)* with Corrections and Additions. Editor: Mojtabā Derāyatī, Mashhad, Al-Jawad Toos Cultural-Research Institute, 2009. [In Persian]
- Foroughī, MohammadHussein. *Elm-e Badī' (Innovative Science)*. By MohammadAlī Foroughī, Abolhassan Foroughī, by the efforts of Monā Alimadadī, Tehran, Khāmoosh, 2016. [In Persian]
- Habībi Afghānī, Abd-ul-Hay. *Tarīkh Goyī Be Ta'miya Dar Ash'ar-e Qadīm-e Dari*. By Mohammad Sarvar. Kabul, Afghanistan, Academy of Sciences, Scientific and Research Center of Languages and Literature, Dari Department, 1981. [In Persian]
- Hājī Khalīfeh, Mustafā Ibn Abdullāh. *Kashf ol-Zonoun (Revealing Doubts about the Names of Books and Arts)*. Beirut, Dar al-Kitab al-Almiya, 1413 AH. [In Persian]
- Homāei, Jalāl-ol-dīn. *Techniques of Rhetoric and Literary Devices*. Tehran, Homā Publishing, 1988. [In Persian]
- Jāmī, Abd al-Rahmān ibn Ahmad. *Haliyat-ol-holal ,or, Resāleh-ye Kabīr (the Great Epistle)*. By Najīb Mayel Heravī, Mashhad, Navīd, 1982. [In Persian]
- Khayyampur, Abd-ul-Rasool. *Farhang-e Sokhanvarān*. Second edition, Tehran, Talaieh, 1993. [In Persian]
- Mashkoor, MohammadJavād. *History of Tabriz until the End of the Ninth Century AH*. Tehran, National Works Association, 1973. [In Persian]



Studies

Original Paper

Report and Review

- Manuscript catalogs of the National Library at: <https://scripts.nlai.ir>
- Rāmi, Hassan ibn Muhammad. *Hadaeq al-Haqayeq: Novel Science and Poetic Devices in Dari Persian language*. Edited by Mohammad Kazem Imam, Tehran, University of Tehran, 2006. [In Persian]
- Rashīd Vatvāt, Muhammad ibn Muhammad. *Hadāyeq ol-Sehr fi Daqaeq ol-Sha'r (Gardens of Magic on the Small Points of Poetry)*. Edited by Abbās Iqbāl Āshtiāni, Tehran, Sanaei, 1983. [In Persian]
- Sharīfī, Mohammad. *Dictionary of Persian Literature*. Editor: MohammadRezā Jafarī, Tehran, Now Publishing, Moeīn, 2011. [In Persian]
- Shamīlpour, Hādī. *Critique and Correction of Holal-e Motarraz in the Riddle of Sharaf ol-Din Ali Yazdi*. PhD Thesis in Persian Language and Literature, Payame Noor University of Tehran, 2015. [In Persian]
- Tarbiat, MohammadAlī. *Dāneshmandān-e Azerbāijān (The scholars of Azerbaijan)*. By Gholāmrezā Tabātabāei Majd. Second Edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1998. [In Persian]
- Zabīhollāh, Safā. *History of Literature in Iran*. Tehran, Ferdows, 1989. [In Persian]

doi **قدیم‌ترین رساله معنائی فارسی**مژده کمالی فرد^۱یحیی طالبیان^۲

از صفحه ۴۳ تا صفحه ۵۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده

صنعت بدیعی معما که از دیر باز در شعر فارسی رواج داشته، به دو نوع معمای اسمی و تاریخی (ماده تاریخ) تقسیم می‌شود. در سده‌های ۹ - ۱۱ ق که دوره اوج معماسرای بود، رساله‌های متعددی به منظور شرح و توضیح قواعد معما، و همچنین ثبت بهترین معماها نوشته شد. فقدان تحقیقی جامع درباره رسالات معنائی، شناسایی آن‌ها را با مشکلاتی مواجه کرد که لغزش‌ها و اشتباهاتی را در برخی منابع مرجع پیش آورده است. این لغزش‌ها به آثار دیگر راه یافتند و در نهایت چنان رواج یافته‌اند که حقیقت علمی پنداشته می‌شوند. در این پژوهش بنیادی که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقابله نسخ خطی متعدد صورت گرفت، آشکار شد که نظر ذبیح‌الله صفا مبنی بر اینکه الاحیاء فی حل المعما قدیم‌ترین رساله معنائی فارسی است، چندان دقیق نیست و احتمالاً چنین رساله‌ای وجود نداشته باشد. قدیم‌ترین رساله با توجه به آنچه موجود است، مطلوب الاحباب اثر رفیع منوچهر تاجر ملقب به بدیع تبریزی است. مؤلف رساله ۲۴ اصل نیز شناسایی گردید که محمد آل کر است.

کلیدواژگان: معما، رساله معنائی، الاحیاء فی حل المعما، مطلوب الاحباب، حل مطوّز در فنّ معما و لغز، منوچهر بدیع

تبریزی.

Cite this article: Talebian, Yahya; kamalifard, Mozdeh. (2022). The Oldest Persian Enigmatic Treatise. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). vol-1, Issue-2, 43-58. <https://doi.org/10.22034/crc.2022.348851.1016>

۳. این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی به نام «تصحیح و شرح دستور معمای میرحسین معنائی» است.

۴. (نویسنده مسؤل) استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ytalebian@gmail.com

۵. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.



مقدمه

معماً در لغت به معنای کور شده، پوشیده، پنهان داشته، یا محل پنهان کردن است؛ اما در بدیع «این صنعت چنان باشد که شاعر نام معشوق یا نام چیزی دیگر در بیت پوشیده بیاورد اما به تصحیف، اما به قلب، اما به حساب، اما به تشبیه، اما به وجهی دیگر و آن چنان باشد که از طبع نیک دور نباشد و از تطویل و الفاظ ناخوش خالی بود؛ و این صنعت آن را شاید که طبع‌های نقاد و خاطرهای وقاد را به استخراج آن بیازمایند» (رشید و طواط، ۱۳۶۲: ۷۰)؛ و «کلامی است موزون که دلالت کند بر اسمی از اسماء به طریق رمز و ایماء، دلالتی که سلامت فطرت و استقامت ذهن به صحت آن حکم کند» (جامی، ۱۳۶۱: ۵). به کلامی دیگر «آن است که نامی یا معنی‌ای به قلب و تصحیف و حساب جمل و تشبیه و جز این‌ها پوشیده گردانند تا کسی اندیشه بر پیدا کردن آن گمارد» (شریفی، ۱۳۹۰: ۱۳۳۰). از ویژگی‌های معما این است که کلام ادبی (منظوم و منثور) معنای کاملی غیر از معنای معمائی داشته باشد. نمونه ساده‌ای از معمای اسمی را در این بیت خواجهوی کرمانی می‌توان دید:

دندان اسب بشکن و شه را بر او نشان
تا نام آن پری‌رخ نسرین بدن شود

«اسب» بنا به قاعده تنصیص ذکر شده و محل تصرف اعمال معمائی است؛ و منظور از «دندان» حرف سین است طبق قاعده تشبیه از قواعد تحصیلی. پس، از شکستن دندان اسب «اب» حاصل می‌شود. «شه» مذکور به قاعده تنصیص؛ «بر»: طبق قاعده تألیف اتصالی از قواعد تکمیلی مفهوم اتصال به ابتدا یا انتها را می‌رساند. در نتیجه، «بر او نشان» معنای افزودن بر ابتدای آن را می‌دهد. «شه» که بر ابتدای «اب» افزوده شود «شهاب» به دست می‌آید. یا بیت زیر که فارغ از معنای معمایی مفهوم کاملی دارد:

چشم بی دل در فراق خال مشک‌آسای دوست
روز و شب در قلب خون باشد چو نیکو بنگری

(حافظ رازی)

در معنای معمایی حاوی نام «محمد» است. روش حل معما چنین است: «چشم» ذکر شده بنا به قاعده تنصیص؛ «بی» به معنای حذف طبق قاعده اسقاط از قواعد تکمیلی؛ «دل» در اینجا هم به معنای حرف مرکزی کلمه است طبق قاعده انتقاد از قواعد تسهیلی، و هم به معنای صنعت قلب از قواعد تکمیلی. به این ترتیب «چشم بی دل» می‌شود «مچ». «فراق» نیز به معنای حذف است و به عمل اسقاط اشاره دارد، و «خال مشک‌آسا» استعاره از نقطه‌های لفظ طبق قواعد تحصیلی؛ پس با اسقاط نقطه‌های «مچ» «مح» به دست می‌آید. در مصراع دوم «خون» از اصول مقومه و محل تصرف اعمال معمائی است و عربی آن منظور است طبق قاعده ترادف از قواعد تحصیلی، یعنی «دم»؛ پس «قلب دم» می‌شود «مد». «مح» به



«مد» می‌شود و اسم «محمد» به دست می‌آید.

نمونه‌ای از معمای تاریخی (ماده تاریخ):

ز آن ما رفته گیر و می‌اندیش
و ز شمار خرد هزاران بیش

کاروان شهید رفت از پیش
از شمار دو چشم یک تن کم

(رودکی)

«شهید» از اصول مقومه و محل تصرف اعمال معمائی است. مجموع اعداد حروف آن به حساب ابجد چنین است:

(ش = ۳۰۰) + (ه = ۵) + (ی = ۱۰) + (د = ۴) = ۳۱۹. مطابق قواعد تسهیلی از شمار کلمه «دو» یک حرف کم می‌شود یعنی حرف اول «دو» می‌افتد و می‌ماند «و». معادل ابجدی «و» عدد ۶ است. $۳۱۹ + ۶ = ۳۲۵$ که معادل سال وفات شهید بلخی است (حبیبی، ۱۳۶۰: ۱۰).

تعمیه از دیر باز در شعر و ادب فارسی حضور داشت، ولی در سده‌های ۹ - ۱۱ ق رواج بسیار یافت و به اوج رسید. علاقه شاهان و امیران تیموری به‌ویژه امیر علی شیر نوایی به معماسازی و معماگشایی، در رونق و محبوبیت آن تأثیر بسیار داشت. در این دوره ده‌ها اثر و رساله معمائی نگاشته شدند.^۶

درباره معما و سیر تطوّر آن تا کنون پژوهش درخوری به زبان فارسی انجام نشده و در منابع تاریخ ادبیاتی نیز بسیار اندک به آن پرداخته شده است. شاید بی‌علاقگی استادانی نظیر جلال‌الدین همایی، ذبیح‌الله صفا و محمدحسین فروغی به معما در این امر بی‌تأثیر نبوده باشد (نک. همایی، ۱۳۶۷: ۳۲۴؛ صفا، ۱۳۶۸: ۱۹۴/۴ - ۱۹۵؛ فروغی، ۱۴۰۰: ۱۷۸). فقدان پژوهش در این زمینه سبب شده که بسیاری از رسالات معمائی به‌درستی شناخته نشوند؛ در نتیجه کاستی‌ها و لغزش‌هایی به منابع مرجع از جمله کتاب‌های تاریخ ادبیات راه یابد. معماسرایان نیز گاه طبق سنت رایج نام اثر، تاریخ تألیف، فردی که رساله به او اهدا شده، و حتی نام خود را به معما بیان می‌کرده‌اند و این امر در ناشناخته ماندن رساله‌های معمائی بی‌تأثیر نبوده است. این امر از یک سو سردرگمی برخی پژوهشگران را در پی داشته، و از سوی دیگر بازتاب و اشاعه گسترده لغزش‌ها در برخی آثار پژوهشی سبب شده که آن‌ها به‌عنوان حقیقت علمی پذیرفته شوند. معرفی قدیم‌ترین رساله معمائی یکی از مصادیق این موارد است.

۶. در این جستار منظور از «آثار معمائی» اشعار و متون ادبی حاوی صنعت معما است بدون شرح و توضیح؛ و منظور از «رساله‌های معمائی» آثاری است حاوی شرح و توضیح چه درباره معماها و چه درباره اصول و قواعد معما.



مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ذبیح‌الله صفا قدیم‌ترین رساله معمائی را چنین معرفی می‌کند (۱۳۶۸: ۱۱۸/۴-۱۱۹):

از اوایل این عهد کتابی در فن معما داریم به نام «الاحیاء فی حل المعما» که مؤلف آن منوچهر تاجر ملقب به بدیع تبریزی شاگرد کمال خجندی شاعر معروف پایان قرن هشتم است. در آغاز این کتاب بدیع تبریزی گزارش‌گونه‌ای از زندگانی خود می‌دهد که بنا بر آن در سال ۷۹۴ هـ در عنفوان شباب همراه پدرش به بازرگانی تا بلاد روم سفر کرده بود و بعد از وفات پدر از راه اردبیل به ایران آمد و تا این هنگام «محبت‌نامه» ای به نام «انیس العارفین» به نظم درآورده بود و در اردبیل یکی از دوستان و بازرگان‌زادگان از وی درخواست تا کتابی در شرح معمیات بنگارد. منوچهر تاجر می‌گوید که این کار در بادی امر دشوار می‌نمود زیرا پیش از او کسی کتابی در این باب ننوشته بود و او این کتاب یعنی الاحیاء فی حل المعما را خود به صرافت طبع تصنیف کرد و گفت که «این تألیف اختراع خاص فقیر است». الاحیاء در یک مقدمه و بیست‌وچهار اصل و خاتمه تألیف شد و بدیع تبریزی کتاب خود را ضمن سفرهای خویش ترتیب داد و در شهر یزد به پایان برد. نشر این کتاب در تألیف کتاب دیگری در همین فن و به نام «حلل مطرز در فن معما و لغز» مؤثر افتاد. مؤلف این کتاب یعنی شرف‌الدین علی یزدی به نوبه خود در تألیف کتاب دیگری به نام حلیة‌الحلل بر دست نورالدین عبدالرحمن جامی مؤثر بود.

این نظر در بسیاری از منابع پژوهشی نقل شده و چنان رواج یافته که یک حقیقت علمی پنداشته می‌شود. اغلب فهرست‌نگاران نسخ خطی از این نظر در شناسایی و معرفی رساله ۲۴ اصل استفاده کرده‌اند؛ اما شمیل‌پور بر این باور است که: «شرف‌الدین علی یزدی واضع دانش معماست نه چنانکه شادروان دکتر صفا به نقل از کشف‌الظنون منوچهر تاجر را واضع این فن معرفی کرده است» و از نتایج کار پژوهشی‌اش این مورد را می‌داند: «تصحیح اظهار نظر مرحوم حاجی خلیفه در کتاب مهم کشف‌الظنون. در این باره نگارنده با استعانت از منابع متعدد خطی و چاپی فارسی و عربی نظری متفاوت با رأی وی که در آن منوچهر تاجر را به‌عنوان واضع قواعد دانش معما معرفی کرده بود، ارائه نموده است که مطابق آن شرف‌الدین علی یزدی قافله‌سالار وضع قواعد دانش معما است» (۱۳۹۴: ۶۱۰).

مطالعات اندک دیگری درباره معما و تاریخ آن صورت گرفته که در همان‌ها هم نظر ذبیح‌الله صفا نقل شده است. باوقار زعیمی بیان می‌دارد که «الاحیاء فی حل المعما که به دست منوچهر تاجر، ملقب به بدیع تبریزی تألیف شده است (اولین اثر در موضوع معما)» (۱۳۸۹: ۱۰)؛ و مایل‌هروی می‌گوید: «بنا بر تصریح حاج خلیفه در قرن هشتم، منوچهر تاجر ملقب



به بدیع تبریزی صاحب «انیس العارفین» به درخواست دوستان کتابی تألیف کرد در شرح معنیات به اسم «الاحیاء فی حل المعما» در یک مقدمه و بیست و چهار اصل و یک خاتمه و در آن از اصول عقده‌گشایی معماها سخن به میان آورد. الاحیاء فی حل المعما اولین تألیفی است مستقل در قلمرو معما و معماگویی» (جامی، ۱۳۶۱: سیزده - چهارده). وی هم به تاریخ ادبیات در ایران و کشف‌الظنون ارجاع می‌دهد. در تنها تحقیق قابل توجهی که درباره تاریخ ادبیات رسالات معمائی صورت گرفته، هیچ اشاره‌ای به اسم الاحیاء دیده نمی‌شود (Anwari-Alhosseyni, 1986).

با توجه به ابهام پیش آمده و اختلاف نظر موجود، در این جستار تلاش می‌شود با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نسخ خطی موجود، قدیم‌ترین رساله معمائی و مؤلف آن شناسایی و معرفی گردد.

روش تحقیق و مراحل عملیاتی

در این پژوهش بنیادی برای پاسخ به پرسش تحقیق از منابع کتابخانه‌ای^۷ و نسخ خطی متعدد بهره برده شد. مطالب یادداشت گردید، نسخه‌های خطی بازخوانی و در چند مورد بازنویسی شدند. مقابله و مقایسه این نسخ در پیشبرد تحقیق بسیار مؤثر بود.

یافته‌ها و بحث

با مراجعه به منابع گوناگون به‌ویژه منابع مرجع، فهرست‌های نسخ خطی، و بیش از ۵۰ دست‌نوشته از رسالات معمائی، چند نکته آشکار شد:

- هیچ نسخه خطی‌ای که به‌صراحت نام الاحیاء فی حل المعما در آن ذکر شده باشد، یافته نشد.
 - در منابع کتابشناسی مانند الذریعه و کشف‌الظنون نامی از الاحیاء فی حل المعما نیامده است.
 - در دیگر نسخه‌های خطی معمائی نیز هیچ اشاره‌ای به کتابی به نام الاحیاء دیده نشد.
- بر خلاف گفته شمیل‌پور، ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران هیچ ارجاعی به مطلبی که بالاتر نقل شد نمی‌دهد. شمیل‌پور دچار اشتباه شده، ارجاعی که صفا به کشف‌الظنون داده مربوط به مفتاح‌العلوم سکاکی و تلخیص‌ها و شرح‌های آن است. از توضیحاتی که صفا درباره الاحیاء فی حل المعما می‌دهد استنباط می‌شود که او نسخه‌ای از کتاب را دیده و بر آن مبنا آن را معرفی کرده است (۴/ ۱۱۸ - ۱۱۹).

۷. در تحقیق به فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه‌های ایران و برخی کشورها نظیر ازبکستان و ترکیه مراجعه شد. در حدود ۱۰۰ جلد از این فهرست‌ها بررسی شدند. از آنجا که ذکر اسامی این فهرست‌ها موجب تطویل بی‌فایده کلام خواهد شد، از ذکر نام آن‌ها در مقاله و در مآخذ مقاله خودداری گردید.



قدیم‌ترین منبعی که اسم کتاب الاحیاء در آن آمده تاریخ تبریز است: «منوچهر ملقب به بدیع از سخنوران قرن هشتم که در سبک شعر پیرو عبدالواسع جبلی است. از شاگردان کمال خجندی است و در ۷۹۴ ق با پدرش برای تجارت به روم رفت. از دبیران آن دوران بوده و مثنوی حجت‌نامه^۸ موسوم به انیس العارفین و الاحیاء فی حل المعما از اوست» (مشکور، ۱۳۵۲: ۷۷۵-۷۷۶). مشکور به فرهنگ سخنوران و دانشمندان آذربایجان ارجاع می‌دهد، اما در هیچ کدام از این دو منبع نامی از الاحیاء و انیس العارفین نیامده است. اینکه نام الاحیاء فی حل المعما از کجا آمده، سؤالی است که پاسخش مشخص نشد. آنچه مشکور نقل می‌کند مشابه سخنان صفا است، ولی کتاب او در ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است و کتاب صفا برای اولین بار در ۱۳۵۶. آیا صفا از مشکور نقل کرده است، یا مشکور از صفا، یا هر دو از منبعی دیگر؟

از انیس العارفینی که مؤلفش منوچهر بدیع باشد هیچ نسخه‌ای یافته نشد، در هیچ کدام از فهرست‌های نسخ خطی چنین کتابی معرفی نشده است؛ اما دو نسخه خطی که به صراحت نام منوچهر بدیع در آن‌ها آمده باشد شناسایی گردید:

۱. مطلوب‌المحبوب به شماره ۹۸۱۶/۱ کتابخانه مجلس؛

۲. مطلوب‌الاحباب به شماره ۴۹۰/۳ کتابخانه ملک.

با بررسی و مقابله تصویر دو نسخه، تفاوت بسیاری مشاهده گردید. هر دو نسخه خوانده و رونویسی شد. نسخه مجلس مطابق با توصیفات ذبیح‌الله صفا بود با این تفاوت که نام نسخه فرق داشت. نسخه ناتمام، بدون ترقیمه و نام کاتب بود. نسخه ۶۲ صفحه دارد که از صفحه ۱۰ به بعد در حاشیه صفحات برخی معماها حل شده است. هیچ نام، مهر، ظهرونیسی یا حاشیه‌ای که نشان از تملک نسخه یا زمان کتابت آن باشد، دیده نشد. بعد از تحمیدیه چنین آمده است: «اما بعد چنین گوید مؤلف این تألیف افقر عبدالله الرفیع منوچهر الملقب به بدیع التاجری التبریزی اصلح الله شأنه...» مؤلف پس از معرفی خود به ماجرای سفر و علت نگارش کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید:

«فاما به هر وقتی ... به تحریر فصلی از این فصول حذرالتطویل بدانچه ارباب این فن را لابد است و از دانستن آن عبور متعذر (?) باز می‌پرداختم و بیاید دانست که بیرون از محفوظ خود در این دیباچه از هیچ نسخه استمداد کرده نشد مگر بیتی چند از اشعار اکابر و افاضل بر سبیل استشهاد و طریق ندرت که تا غایت از تألیفات و تصنیفات متقدمان و متاخران در این فن هیچ نسخه نبوده و نساخته‌اند. این مختصر بر روزی در محروسه یزد حمیت عن الحدثان تمام شده ... و نام **مطلوب‌المحبوب** نهاده شد.»

از صفحه ۱۵ سیاق نگارش تغییر می‌کند، سپس به معنائی از شرف‌الدین علی یزدی اشاره می‌شود. سؤالی پیش می‌آید:

۸. در اغلب منابع از جمله تاریخ ادبیات در ایران اثر ذبیح‌الله صفا «محبت‌نامه» ذکر شده است.



اگر پیش از این رساله‌ای در قواعد معما نوشته نشده، معمای شرف‌الدین علی یزدی را چگونه نقل کرده؟ آیا حل مطرّز در آن زمان نگاشته شده بود؟ شمیل‌پور نیز با استناد به همین مطلب شرف‌الدین علی را واضع، و نخستین مدوّن‌کننده قواعد معما می‌داند (۱۳۹۴: ۹۵).

از سوی دیگر نسخه ملک ۱۶ صفحه (۵۵ - ۷۰)، و دارای ترقیمه و تاریخ کتابت (۸۵۱ ق) است. کل مجموعه به خط نستعلیق ناخوش ولی خوانای محمدبن حسین بن سلام الله ابرقویی است. در این نسخه تحمیدیه دیده نمی‌شود و آغاز آن چنین است:

«چنین گوید مؤلف این تألیف اصغر عبادالله رفیع منوچهر التاجری الملقّب به بدیع التبریزی ... که در جمله اشعار عراق عجم بعضی از عزیزان که سابقه معرفت با ایشان مؤکد بود التماس نمودند نسخه‌ای در علم معما موجز و مفید که در قوانین این فن مفتاحی بود و بر خلّال گشادن آن آسان و از ثمره آن ملتذّ توان شد. از استدعا همگنان به حکم «من استعطی فاعطوه» اعراض کردن از استاد عقل رخصت نیافتم، انگشت اجابت بر دیده قبول نهادم و روی در کار آوردم و به حکم این حدیث که خیر الکلام ما قلّ و دلّ و لم یُملّ حذراً من تطویل، بدانچه ارباب این فن را از لوازم واجب است و از دانستن این عبور و معدول متعذّر و غیرممکن و از قبیل ممتنع است. اکنون بدان که هر کسی این نسخه را کما هو حقّه بداند یحتمل که هیچ معمی بر وی پوشیده نماند و ببايد دانست که بیرون از اختراع خود در این دیباچه از هیچ رساله استمداد کرده نشد مگر بیتی چند از معمیات اکابر و افاضل بر سبیل استشهاد و طریق تمثیل که الی یومنا هذا از تألیفات متقدّمان و متاخّران در این قسم هیچ رساله تصنیف نکرده‌اند و نسخه‌ای نساخته؛ این شیوه خاص بدین بنده متعلق است. اکنون این مختصر به روز چند در محروسه یزد صانها الله موادیق (؟) الزّمان به اتمام رسید و از این فصول فراغت حاصل گشت و نام **مطلوب الاحباب** نهاده شد و موبّ بر پنج باب گشت».

در این نسخه هیچ اشاره‌ای به سفر روم و نگارش کتاب انیس العارفين نمی‌شود. از صفحه ۶ رساله (صفحه ۶۰ مجموعه) نسخه کاملاً با نسخه مجلس متفاوت می‌شود. به این ترتیب دیگر یافته‌های تحقیق از این قرارند:

۱. دو نسخه خطی که مؤلف آن منوچهر بدیع باشد در دست است.
۲. نسخه اول مطلوب‌المحبوب نام دارد و با توضیحاتی که صفا درباره الاحیاء فی حل المعما داده، مطابقت دارد؛ اما نسخه ناتمام، بدون نام کاتب و تاریخ کتابت، و عدم یکدستی سبک نگارش و محتواست.



۳. نسخه دوم مطلوب الاحباب نام دارد، دارای نام کاتب، ترقیمه و تاریخ کتابت است. یکدستی در سبک نگارش و محتوای آن کاملاً آشکار است.

۴. ضمن مقایسه این دو نسخه آشکار شد فقط قسمت ابتدایی دو نسخه از نظر محتوا شبیه هستند، هر چند نسخه اول مقدمه‌ای مفصل دارد و نسخه دوم بسیار موجزتر و مختصرتر است و از صفحه ۶ کاملاً با نسخه اول تفاوت می‌یابد.

جستجو و تحقیق برای تعیین صحت انتساب این دو نسخه ادامه می‌یابد و نسخه‌های خطی معمائی متعددی بازخوانی می‌شوند. در این میان مجموعه‌ای شامل دو رساله به شماره ۳۸۳۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران یافته می‌شود که اولین رساله آن معمائی است. فهرست‌نگار (محمدتقی دانش‌پژوه) در اولین صفحه کتاب آن را چنین معرفی می‌کند: «شرح عبدالغنی بن داود بر رساله معمائی برهان‌الدین محمد الکر. نسخه دیگر این شرح و همچنین رساله محمد الکر به هیچ وجه دیده نشد و نام و آثار چند شاعر در این کتاب هست که در تذکره‌ها و منابع دیگر نیست و در زیر به ذکر اسامی آنان می‌پردازیم: علاءالدین شاشی، حافظ سعد، ...، منوچهر بدیعی مؤلف رساله شانزده اصل ...». با مراجعه به متن آشکار شد که شارح یعنی عبدالغنی بن داود که کتابش را به ابوالمظفر شیران‌شاه تقدیم کرده، در تعریف معما از منوچهر بدیع می‌گوید: «... و اما آنچه منوچهر بدیعی در رساله شانزده اصل در تعریف معما گفته است بر این موجب بدان که معما مشتق است از تعمیمه و تعمیمه در لغت پوشیده کرده شده باشد و معما به حسب اصطلاح نام را گویند که تبیان کرده شده باشد در الفاظ به حسب تقدیمی تأخیری یا تشبیه حرفی به حرفی یا ...» (ص ۴). شارح به صراحت از رساله ۱۶ اصل یاد می‌کند نه ۲۴ اصل. از رساله‌های معمایی که شامل ۱۶ اصل یا ۱۶ فصل باشند، چند نسخه در دست است اما هیچ کدام با نسخه‌های مطلوب الاحباب ملک و مطلوب‌المحبوب مجلس مطابقت ندارند.

ضمن مطالعه شرح عبدالغنی بن داود بر رساله محمد الکر (شماره ۳۸۳۰ دانشگاه تهران)، متن اصلی رساله آشنا به نظر رسید. با رساله‌های معمائی متعددی مطابقت داده شد. آشکار گردید که از صفحه ۱۵ مطلوب‌المحبوب نسخه مجلس، مطابق با صفحه دوم به بعد همین رساله محمد الکر است. این دو رساله مطابقت داده شد، آشکار گردید که نسخه ۹۸۱۶/۱ مجلس نسخه‌ای مغشوش و درهم آمیخته از دو رساله است که هیچ کدام هم کامل و دقیق نیست. یافته‌های تحقیق تا کنون از این قرارند:

۱. نسخه ۹۸۱۶/۱ مجلس که احتمالاً منبع ذبیح‌الله صفا برای معرفی قدیم‌ترین رساله معمائی بوده، نسخه‌ای نادرست، مغلوط و مشوش است. ابتدای آن مشابه نسخه مطلوب‌المحبوب به شماره ۴۹۰/۳ کتابخانه ملک، اما بسیار مفصل‌تر از آن است. بخش دوم آن رونوشتی ناقص از رساله ۱۲۴ اصل است.



پس اینکه صفا رساله ۲۴ اصل را به منوچهر بدیع انتساب داده، صحیح نیست و از اشتباه و اغتشاش نسخه مجلس نشئت می‌گیرد.

۲. نسخه ۳۸۳۰/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شرح عبدالغنی بن داود بر رساله محمد الکر است که نام منوچهر بدیعی به صراحت در آن ذکر شده و رساله ۱۶ اصل به وی نسبت داده شده است.

۳. از رساله‌های معمایی که شامل ۱۶ اصل باشند، چند نسخه در دست است از جمله نسخه شماره ۹۸۱۶/۲ مجلس. در انطباق بین این نسخه و بخش ذکر شده در شرح عبدالغنی، آشکار گردید این رساله ۱۶ اصل با مطلوب الاحباب مطابقت ندارد. پس محتمل است: منوچهر بدیع دو رساله در معما داشته باشد؛ یا اینکه رساله ۱۶ اصل تألیف فرد دیگری است و عبدالغنی دچار لغزش شده باشد؛ یا اینکه مطلوب الاحباب ۱۶ اصل را دربرگیرد، در نتیجه به نام ۱۶ اصل هم شناخته شده باشد.

۴. بر مبنای شرح عبدالغنی بن داود (نسخه ۳۸۳۰/۱ دانشگاه تهران) رساله ۲۴ اصل که نسخه‌های متعددی از آن در دسترس است، نوشته محمد الکر است. در این رساله به صراحت از شرف‌الدین علی یزدی یاد می‌شود پس نمی‌تواند قبل از حلال مطرژ نوشته شده باشد. اینکه فهرست‌نویسان در [فهرستگان](#) [نسخ خطی](#) یا دیگر فهرست‌ها رساله ۲۴ اصل را منوچهر بدیع نسبت داده‌اند یا نام الاحیاء فی حل المعما بر آن نهاده‌اند، اشتباه است.

۵. نام محمد الکر یا آل کر در صفحه ۱۶ ر نسخه شماره ۳۹۹۳ کتابخانه ایاصوفیه دیده می‌شود: «امیر سیف‌الدین: ساقی در آر باده در آن جام زرنگار / یا در سفال بریز و بدین کمترینه دار این معما از آن مولانا محمد آل کر است...». در رساله ۲۴ اصل نویسنده برای شاعرانی که از آن‌ها معما ذکر می‌کند، علامت اختصاری قائل می‌شود و می‌گوید: «و علامت بندگی مولانا محمد در این مختصر دو حرف **م ح** است» و همین معما در صفحه ۲۵ ر نسخه ۴۹۰/۲ ملک^۹ دیده می‌شود. پس تأیید می‌شود که رساله ۲۴ اصل متعلق به محمد آل کر است.

۶. از آل کر و اثرش در چند جای دیگر هم یاد شده از جمله رساله قواعد المعما نسخه شماره ۹۸۰۷/۲ مجلس صفحه ۸۲ ر، رساله صندوق‌المعارف به شماره ۴۸۱۳ کتابخانه ایاصوفیه ص ۶۰ ر. در انطباقی که داده شد معماهای ذکر شده برگرفته از همان رساله ۲۴ اصل هستند.

بر مبنای این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که رساله ۲۴ اصل اثر محمد الکر یا آل کر است نه منوچهر بدیع و بین سال‌های

۹. مجموعه شماره ۴۹۰ کتابخانه ملک دارای ۴ رساله است به این ترتیب: (۱) رساله در قافیه؛ (۲) رساله در معما [رساله محمد الکر]؛ (۳) مطلوب الاحباب؛ (۴) رساله‌ای عربی در علم عروض.



۸۳۲ (تاریخ تألیف حلال مطرز) و ۸۵۱ ق (تاریخ کتابت نسخه ۴۹۰/۲ ملک) تألیف شده است. اشتباه ذبیح‌الله صفا نشئت‌گرفته از نسخه مغلوط و مشوشی است که به شماره ۹۸۱۶/۱ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. از رساله ۲۴ اصل نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های مهم ایران نگهداری می‌شود از جمله: کتابخانه ملی به شماره ۱۲۶۶۳/۱، آستان قدس به شماره ۴۵۳۵، کتابخانه ملک به شماره ۵۸۰۰/۲، نمازی خوی به شماره ۷۹۶/۱، میکروفیلم دانشگاه تهران به شماره ۲۱۰۸/۲. پریسا کرم‌رضایی نیز در انتساب آن به منوچهر بدیع شک کرده است و احتمال داده که به رامی تبریزی تعلق داشته باشد (فهرستگان نسخ خطی) و شاید علت آن تشابه اسم انیس العارفین نوشته منوچهر بدیع با انیس العشاق نوشته رامی تبریزی باشد. اما این شک صحیح نیست، زیرا رامی در کتاب حدائق الحقایق خود که در بلاغت است فقط در یک صفحه و به اختصار از معما و لغز می‌گوید. از آنجا که تنها جایی که نام انیس العارفین را می‌بینیم همان نسخه مغلوط و مغلوط مجلس است، احتمال دارد اشتباه یا لغزشی رخ داده باشد.

هنوز به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده نشده است: قدیم‌ترین رساله معمائی فارسی کدام است؟ مطابق نسخه شماره ۴۹۰/۳ کتابخانه ملک که در آن به صراحت منوچهر بدیع تبریزی اولین تدوین‌کننده قواعد، و نخستین نویسنده رساله معمائی یاد می‌شود، مطلوب‌الاحباب قدیم‌ترین رساله است. بر مبنای ویژگی‌های نسخه‌شناسی، نسخه اصیل به نظر می‌رسد: کل مجموعه به خط یک کاتب، محمدبن حسین بن سلام‌الله ابرقویی است. رساله در ۸۵۱ ق کتابت شده و در ترقیمه هر رساله ماه اتمام کتابت ذکر شده است. افزون بر این چند نکته دیگر هم صحت انتساب نسخه را تأیید نمود: (۱) نسخه سبک نگارشی یک‌دستی دارد، (۲) قواعد به کارگرفته محدودتر و ساده‌تر از رسائل بعدی از جمله حلال مطرز و رسائل جامی است، (۳) دسته‌بندی قواعد و توضیح آن‌ها ابتدایی‌تر از رسائل دیگر به نظر می‌رسد، (۴) مؤلف به صراحت بیان می‌دارد که شاگرد و مرید کمال خجندی بوده است: «چنانکه حضرت شیخی و مخدومی و استظهاری و مرشدی کمال‌الحق و الملة و الدین فرموده است...» (۵۸ ر).

ویژگی‌های رساله مطلوب‌الاحباب

این رساله مختصر^{۱۰} (حدود ۳۴۰۰ کلمه) شامل یک مقدمه و ۵ باب است: باب اول: در حد و صفت معما و القاب آن؛ باب ثانی: در شرح اسامی حروف که اجزای معما اند و اشتقاق آن؛ باب ثالث: در کیفیت اصطلاحات این فن؛ باب رابع: در کیفیت استخراج حروف جمل؛ باب خامس: در عیوب معما. نثر رساله بسیار ساده است؛ به جز مقدمه و مؤخره که در آن از زبان ادبی بهره برده شده و صنایع ادبی اندکی در آن دیده می‌شود.

معماها و لغزها در قالب شعر بیان شده‌اند که ۹۷ بیت را تشکیل می‌دهند: ۱۰ بیت لغز، ۸۷ بیت معما. اشعار اغلب

۱۰. این رساله تصحیح شده و در دست شرح است.



تکبیت‌اند به جز ۳ غزل سروده مؤلف: «این ضعیف را چند غزل اتفاق افتاده است که اگر قطع نظر از معنای معمائی او کرده شود هر یک بیتی از برای خود معنی خاص می‌دهد و از هر بیتی از ابیات او اسمی بیرون می‌آید و این طریقه در غایت نازکی و لطافت است ... و پیش از این ارباب این فن اصلاً غزل به معما نگفته‌اند و این طریقه خاصه این ضعیف است». معماهایی که سروده مؤلف نیست از این شاعران نقل شده است: کمال خجندی، کمال کرمانی، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، کمال‌الدین خواجوی کرمانی، حافظ رازی، محمد اصیل، عماد فقیه، حسن کاشی و چند نفر دیگر. معماها ساده‌تر از معماهای رساله‌های متأخرتر است، پیچیدگی‌های آن‌ها را ندارند و راحت‌تر حل می‌شوند. از دسته‌بندی‌های معمول قواعد معمائی به تحصیلی، تکمیلی، تسهیلی، و تذییلی در این رساله خبری نیست. قواعد بسیار ساده‌تر از رساله‌های متأخرتر بیان شده‌اند. برای آشنایی بیشتر یکی از غزل‌های معمائی ذکر می‌گردد و معماهای آن حل می‌شود.

۱. علی‌الدوام چو^{۱۱} بالای دوست در دل ماست به یمن دولت آن سرو کار ما بالاست

ما: مذکور به قاعده تنصیص؛ **دل**: صنعت قلب از قواعد تکمیلی؛ **دل ما**: «ام». بالا: اولین حرف طبق قاعده استعاره و انتقاد از قواعد تسهیلی؛ **بالای دوست**: حرف «د». **بالای دوست در دل ما**: حرف «د» در وسط «مقلوب ما» قرار گیرد که می‌شود: **آدم**.

۲. خیال چشم و دهان^{۱۲} و قد و خم^{۱۳} زلفش مدام مونس این دل‌شکسته شیدا است

خیال: شکل، تصویر، بیان‌کننده تشبیه که از قواعد تحصیلی است؛ **چشم**: بنا به قاعده ترادف «عین» اراده شده و بنا به قاعده تسمیه «ع»، **خیال دهان**: «م»، **خیال قد**: «ا»، **خیال خم زلف**: «د». از اتصال این حروف جواب معما به دست می‌آید: **عماد**.

۳. ز نوک غمزۀ غماز آن کمان‌ابرو به اختیار حذر کن دلا که عین بلاست

دلا: مذکور بنا به قاعده تنصیص؛ **نوک**: اولین حرف، برگرفته از قاعده انتقاد از قواعد تسهیلی؛ **حذر کن**: دور کن، برگرفته از قاعده اسقاط از قواعد تکمیلی؛ **اولین حرف «دلا» که دور شود**: «لا». عین بلاست: عین به لا است (تألیف

۱۱. نسخه مجلس: که

۱۲. نسخه مجلس: «و» را ندارد.

۱۳. نسخه مجلس: «و» اضافه دارد.



اتصال)، به معنای «ع» به «لا» اضافه شود: **علا**.

۴. تو بر سریر نشاط به کام دل خرم و لیک غم ز فراغت همیشه بر^{۱۴} دل ماست

غم: ذکر شده بنا به قاعده تنصیص؛ **دل**: صنعت قلب؛ **دل ما**: «ام»، **غم بر دل ما**: «غم» به «ام» اضافه شود (تألیف اتصال از قواعد تکمیلی): **غمام**.

۵. ز لطف و مهر قدم نه بر سر چشمم که نیست کام دلم غیر از این خدا گواست

چشم: مذکور به قاعده تنصیص؛ **قدم**: آخرین حرف (طبق قاعده انتقاد از قواعد تحصیلی)؛ **قدم لطف**: حرف «ف»، **قدم مهر**: حرف «ر»، **سر**: اولین حرف (طبق قاعده انتقاد از قواعد تحصیلی)؛ **سر چشم**: اولین حرف چشم: «چ». **ز لطف و مهر قدم نه بر سر چشم**: «فر» را بر ابتدای «چ» قرار بده که می‌شود فرچ. با قاعده تصحیف (از قواعد تحصیلی) «چ» به «خ» تبدیل می‌شود: **فرخ**.

۶. نثار خاک درت^{۱۵} کرده‌ام سر و دل نیز ولی ز کرده خویشم بسی خجالت‌هاست

احتمالاً پاسخ این معما چنین باشد: **در**، نیز: مذکور به قاعده تنصیص و محل تصرف اعمال معمائی؛ **خاک در**: طبق قاعده انتقاد آخرین حرف در که می‌شود «ر»؛ **نثار کردن**: بخشیدن و افزودن (قاعده کنایه). **سر و دل**: حرف اول و وسط (طبق قاعده انتقاد)؛ **سر و دل نیز**: «نی»؛ «نی» به اضافه «ر» می‌شود: **نیر**.

۷. به سمع اشرف آه بدیع در شبها رسیده است و لیکن بر تو باد هواست

شبها: محل تصرف اعمال معمائی که تحلیل یافته به دو جزء «شب» و «ها»، **در**: از ادات تألیف امتزاجی. «ها» که در وسط «شب» قرار گیرد: **شهاب**. در ضمن «بدیع» تخلص شعری منوچهر تاجر تبریزی است. این بیت در نسخه مجلس به گونه‌ای دیگر ضبط شده که از نظر وزن شعری ارجحیت دارد اما تخلص شعری در آن دیده نمی‌شود:

۷. به سمع اشرف آه دل رمیده ما رسیده است و لیکن بر تو باد هواست

۱۴. نسخه مجلس: در

۱۵. نسخه مجلس: دلم



به: از ادات تألیف اتصالی. **سمع اشرف**: حرف «ا» بنا به قاعده استعاره و انتقاد. **ما**: «نحن» بنا به قاعده ترادف. **دل**: حرف میانی کلمه (قاعده انتقاد). **دل ما**: حرف «ح» که بنا به قواعد حرفی و اسمی (از قواعد حسابی) ۸ و «هشت» مراد است. **رمیده**: هم به قاعده قلب اشاره دارد و هم تصحیف. **اتصال «ا» و هشت**: هشتا. با اعمال قواعد قلب بعض و تصحیف پاسخ معما به دست می‌آید: **شهاب**.

نتیجه

بر مبنای جستجو در منابع گوناگون، مطالعه و بازخوانی نسخ خطی متعدد در حوزه معما، مقابله و مقایسه نسخه‌های متعدد آشکار شد که قدیم‌ترین رساله معمایی موجود مطلوب الاحباب نوشته بدیع تاجر تبریزی است که نسخه‌ای از آن به شماره ۴۹۰/۳ در کتابخانه ملی ملک نگهداری می‌شود.

نظر ذبیح‌الله صفا که الاحیاء فی حل المعما در ۲۴ اصل را قدیم‌ترین رساله معمایی می‌دانست، ضمن مقایسه و مطابقت نسخه متعدد معمایی رد شد. رساله ۲۴ اصل که در منابع به منوچهر بدیع انتساب داده‌اند، در واقع اثر محمد الکر (آل کر) می‌باشد که بین سال‌های ۸۳۲ تا ۸۵۱ ق تألیف شده و نام آن الاحیاء فی حل المعما نیست. هم‌چنین نظر شمیل‌پور که حل مطروز در فن معما و لغز را قدیم‌ترین رساله معمایی می‌دانست، رد گردید.

عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



منابع

- آقابزرگ طهرانی، محمدمحسن. الذریعه الی تصانیف الشیعه. به اهتمام احمد منزوی و علی‌نقی منزوی. تهران، اسلامیة، ۱۳۵۷.
- باوقار زعیمی، الهام. تصحیح نسخه خطی حل معما اثر ضیای اردوبادی. به راهنمایی حمیدرضا قانونی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ۱۳۸۹.
- بدیع تبریزی، منوچهر. مطلوب الاحباب [نسخه خطی]. به کتابت محمدبن حسین بن سلام‌الله ابرقویی. تهران: کتابخانه ملی ملک، شماره ۴۹۰/۳، مورخ ۸۵۱ ق.
- بدیع تبریزی، منوچهر. مطلوب‌المحبوب [نسخه خطی]. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۸۱۶/۱، (بی تا).
- تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان. به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد ویرایش دوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد. حلیة حلل، یا، رساله کبیر. به اهتمام نجیب مایل‌هروی، مشهد، نوید، ۱۳۶۱.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. کشف‌الظنون عن الاسامی الکتب و الفنون. بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- حبیبی افغانی، عبدالحی. تاریخ‌گویی به تعمیم در اشعار قدیم دری. به اهتمام محمد سرور. کابل، آکادمی علوم افغانستان، مرکز علمی و تحقیقی زبان‌ها و ادبیات دپارتمان دری، ۱۳۶۰.
- خیامپور، عبدالرسول. فرهنگ سخنوران. ویرایش دوم، تهران، طلایه، ۱۳۷۲.
- درایتی، مصطفی. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتخا). ویراستار مجتبی درایتی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- درایتی، مصطفی. فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) با اصلاحات و اضافات. ویراستار مجتبی درایتی، مشهد، موسسه فرهنگی پژوهشی الجواد توس، ۱۳۹۸.
- رامی، حسن بن محمد. حقایق‌الحدائق: علم بدیع و صنایع شعری در زبان پارسی دری. تصحیح محمدکاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
- رشید و طواط، محمدبن محمد. حدائق‌السحر فی دقایق‌الشعر. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران، سنایی، ۱۳۶۲.
- شریفی، محمد. فرهنگ ادبیات فارسی. ویراستار محمدرضا جعفری، تهران، نشر نو، معین، ۱۳۹۰.



شمیل پور، هادی. نقد و تصحیح حلال مطرز در معما و لغز شرف‌الدین علی یزدی. پایان‌نامه دکتري زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۴.

صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران، فردوس، ۱۳۶۸.

عبدالغنی بن داود. شرح رساله محمد الکر، یا، شرح دستور معما [نسخه خطی]. تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱/۸۳۰، مورخ ۱۰ ق.

فروغی، محمدحسین. علم بدیع. به اهتمام محمدعلی فروغی، ابوالحسن فروغی، به کوشش منا علی مددی، تهران، خاموش، ۱۳۹۹.

فهرستگان نسخ خطی کتابخانه ملی به نشانی: <https://scripts.nlai.ir>

مشکور، محمد جواد. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.

همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران، نشر هما، ۱۳۶۷.